اطلاعات نظامی جاسوس‌های عراقی ایران رامیخریدند!

«عیذان» جاسوس عراقی که نخستین جلسه دادگاه او را بطور اختصاصی به‌اطلاع خوانندگان گرامی رسانده بودیم و جلسه دوم، به علت بیماری متهم به تعویق افتاده بود، روز پنجشنبه باردیگردربرابر قضات‌ایستاد.

جاسوس عراق در دادگاه اعتراف کرد که سفارت‌عراق در تهران از او خواسته بود آمار هواپیماهای ایران را برای آنها پیدا کنم، و نقشه حمله ارتش ایران به عراق را که قرار بود زمان شاه مخلوع انجام گیرد، بدست آورم.

روز پنجشنبه گذشته، دومین جلسه محاکمه«عیذان» جاسوس عراقی، در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز تشکیل شد.

در ایـن جلسه رئیس دادگاه، برگهای بازجوئی اولیه عیذان‌را برای‌او قرائت کرد.

در بازجوئی اولیه از عیذان سئوال شده بود، از مشهد با چه وسیله‌ای‌به‌تهران آمدی؟

عیذان جواب داد باشهناز مقدم به تهران آمدم و به سفارت عراق رفتم شهناز را بعنوان همسرم معرفی‌کردم.

رئیس دادگاه از عیذان پرسید: شهناز چکاره بود و برای چه‌در خانه‌تو زندگی میکرد و او جوان بود یا پیر؟

عیذان: شهناز ۲۰ سال داشت. او پرستاربیمارستان بود و چون جائی نداشت، بمن پناه آورده بود.

رئیس دادگاه: چگونه یک دختر ۲۰ ساله که خودت در بازجوئی گفته‌ای او با مردان دیگر نیز سروکار داشت، در خانه تو زندگی میکرده است؟

عیذان: او مرابپدرخطاب میکرد و میگفت: میخواهم بعراق بیایم

رئیس: ماموران ضد اطلاعاتی گفته‌اند، شما هنگامیکه از قطارپیاده‌میشدید، یک جوان که‌شلوارسربازی به تن داشت و یک کیف مشمعی همراه شما بود، اول در میدان راه‌آهن وارد یک قهوه‌خانه میشوید و سپس با یک اتومبیل پیکان بطرف سفارت عراق میروید و اینکار در تاریخ۲۷ر۳ر۵۸ انجام گرفته است.

عیذان: آن جوان‌حسین مجربی بود که باتفاق، به سفارت عراق رفتیم.

رئیس: در سفارت عراق که با حسین رفتید، چه چیزی بشما و حسین‌گفتند؟

عیذان آنها بـا حسین حرفی نزدند، اما احمدصالح از من میخواست نقشه‌حمله ارتش ایران بعراق را که قرار بود در زمان‌شاه‌مخلوع انجام گیرد، برایش تهیه‌کنم که چگونه ارتش ایران قصد حمله بعراق را داشت و در چه زمانی میخواست ایـن حمله را شروع کند.

رئیس: شما گفته‌اید که گزارش پادگان ارتش در مشهدرا در اختیار سفارت گذاشته‌اید و در گـزارش خود نوشته‌اید که ارتش از ترس حمله مردم پادگان، اسلحه‌های سنگین خود رابه پادگان تربت حیدریه انتقال داده و تعداد پادگان هـای ارتش در مشهد رادراختیار سفارت قرار داده‌اید.

عیذان: من این اطلاعات را در قهوه‌خانه از مردمیکه باهم حرف میزدند، گرفتم.

رئیس: شما در بازجوئی های اولیه گفته‌ایدکه سفارت عراق به شهناز مقدم‌ماموریت داد تا با یک افسر ایرانی رابطه برقرار کند و اگر در این ماموریتش موفق شده بود، صاحب یک اتومبیل بی ام و میشد

عیذان: شهناز را کنعان آورد بخانه من و گفت چون تو مریض هستی او میتواند از تو پرستاری کند.

رئیس: سفارت عراق چه مدارک دیگری از شما میخواست؟

عیذان: احمدصالح (وابسته نظامی عراق) از من‌خواست نقشه‌پایگاههای هوائی‌راپیدا کنم و در ضمن خـواست کشف کنم هواپیماهای ایران از چه راهی قصد حمله به عراق را داشته‌اند و تعداد هواپیماها چندتاست. و از طرفی مرا به مشهد فرستادند تا با کردهای عراق تماس بگیرم و ببینم آنها به عراق بازمیگردند یا نه؟ اما آنها گفتند به عراق بازنمیگردند و در همینجا با دولت عراق خواهند جنگید

عیذان گفت: من به آنها گفتم دیگر که دولت ایران به شما کمک نخواهد کرد، از چه دولتی کمک‌میگیرید؟ آنها گفتند کسانی هستندکه به ما کمک کنند.

رئیس: شما نوشته‌ایدکه قصد داشتید با هواپیما از مشهد به تهران بیائید اما موفق نشده‌اید، چرا؟

عیذان قرار بود بامحمد عیثمی جعفری یکی ازدرجه‌داران که با سفارت عراق رابطه داشت، با هواپیما به تهران بیایم، اما او یک ساعت قبل از حرکت‌پشیمان شد و گفت: من چیزی همراه دارم کهممکن است در فرودگاه هنگام بازرسی بدام افتم.

رئیس: او چه چیزی همراه داشت؟

عیذان: او تعدادی کتاب داشت که میخواست‌بسفارت عراق بیاورد

رئیس: خطاب به قاسم سلاطینی، (متهم ردیف دوم) گفت شما در بازجوئی اولیه، گفته‌ای که عیذان از من خواست تا یکنفر ارتشی را به او معرفی کنم و من نیز حسین مجربی را به‌او معرفی کردم.

متهم: من اینهارانگفته‌ام. آنها این کلماترا ازخودشان نوشته‌اند

رئیس: این انکار را از کجا یاد گرفتی؟

متهم: من معتاد بودم. از این حرفهاسردرنمی‌آورم.

رئیس: چه کسی حاج حجون (عیذان) را بهروئین معتاد کرد؟

متهم من نمیدانم.

رئیس خطاب به عیذان: چه کسی ترا به هروئین معتاد کرد؟

عیذان. قاسم‌سلاطینی‌مرا معتاد کرد.

رئیس خطاب به قاسم: تو گفته‌ای که‌حسین‌مجربی را به حاج حجون (عیذان) معرفی کردم و آنها با هم صحبت کردند و انها را در محل کیوسکی که هروئین میکشیدیم بیکدیگر معرفـی کردم.

متهم: من‌اینها رانگفته‌ام، خود حاج حجون با حسین آشنا شد و دیگر من آنهارا ندیدم.

محاکمه این دوجاسوس، به علت پایان گرفتن وقت، به امروز موکول شد.

توضیح دادستانی انقلاب درمورد جلوگیری ازخروج قالیچه توسط نماینده دبیرکل سازمان ملل

درپی اعتراض وزارت‌امور خارجه به مسئولین فرودگاه دررابطه با آقای‌ادیب‌داودی روابط عمومی دادستانی‌کل انقلاب پس ازتماس‌بانماینده دادستانی کل انقلاب، در فرودگاه اعلام کرد: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ماموریـن ما در فرودگاه با تلاشی پیگیر از بیرون‌رفتن ثروت مملکت از ایـران جلوگیری کردند و اجازه به هیچ مقامی ندادند کمکار خلافی انجام دهد. همراهان آقای ادیب داودی یک عدد قالیچه را که قصد خروج آن را از ایران داشتند، به ماموریـن ارائه میدهند.

سپس ماموریـن بیک اتومبیل دولتی همراه وی میکوشند که پس از بازرسی، ۵ عدد قالیچه ازاین‌اتومبیل بدست میآید که متعلق به ایشان بوده، لذا ماموریـن از خروج کردن قالیچه هـا جلوگیری بعمل اوردند. اگر خروج این فرشها جایزبود، باید از طرف وزارت امور خارجه، نامه‌ای به فرودگاه ارائه میداد اما ایشان چنین نامه‌ای نـداشتند. ماموریـن فرودگاه از خروج ثروت بدست هر مقامی کـه باشد جلوگیری میکنند و ایشان که نماینده سازمان‌ملل متحد هستند خودشان بیش از دیگران باید بقانون‌احترام بگذارند.

خامنه‌ای،در نمازجمعه‌فاش‌ساخت

توطئه‌شبکه‌منظم شایعه‌سازی راخنثی کنید

ربانی‌املشی: انقلاب‌فرهنگی‌باید در همه جا انجام پذیرد

خبرنگار ماگزارش دادابن هفته نیز در زمین چمـن دانشگاه تهران وخیابان‌های اطراف آن پوشیده ازجمعیت نمازگزاری بود که باصفوفی فشرده و منظم از نخستین ساعات روز در این محـل گرد آمدند تا مراسم نمـاز جمعه را هرچه باشکوهتربه امامت حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای امام‌جمعه تهران برگزار کنند مردم که در یک چنین هوائی گرم و سوزنده حضور یافتند اهدافی چون نشان دادن وحدت و انسجام بیشتر و از سوی دیگـر جامه عمل پوشاندن به سنت پیغمبر اکرم (ص) مبنی بـر تجمع مسلمانان‌جهت آگاهی از اوضاع جاری مملکت و دیگر مسلمانان جهان‌رادنبال میکنند.

خبرنگار ما می‌نویسدپیش از آغاز مراسم حجت‌الاسلام ربانی املشی نماینده امام‌در گروه‌هفت نفری شورای انقلاب فرهنگی روحانی‌آگاه و متعهد و مسئول باتاکید بر لزوم انجام انقلاب‌فرهنگی گفت: تصور نکنید کـه انقلاب فرهنگی فقط نبایددر دانشگاه ـ مدرسه و حوزه علمیه صورت بگیرد انقلاب فرهنگی باید در کوچه و بازار و خیابان و همه‌جای دیگر انجام پذیرد .درقسمتی دیگر از سخنان‌حجت‌الاسلام ربانی املشی اضافه کرد: مگر این دانشگاه از عرق جبین شما ملت شهید داده رنج‌کشیده زندان داده بنا نشده است. مگر مخـارج هنگفت این دانشگاه از شما تامین نمیشود. محصول این دانشگاه چه بود.دشمن اسلام ساختن. کافرومنافق تحویل این جامعه دادن‌آیا این محصول‌میتواند‌محصول یک دانشگاه اسلامی بـاشد باخیر.

آقای املشی در بخشی دیگـر از سخنان خود فرمودند:

چه شده و چه خبر شده است. به جان یکدیگر افتاده‌اید. ما رهبر داریم. ما دنباله‌رو رهبر هستیم. هرکس رهبر را قبول دارد ما هم قبول داریم و هرکس را که‌رهبربراند ماهمی‌رانیم تلاش و کوشش بیجانکنید.

وی افزود:

باید علاوه براین‌کهزرنگی های طاغوتی و کاخ های ظلم و ستم را از بین‌ببریم و نیز باید حلبی‌آبادها را از بین ببرود و همچنان‌انقلابی در مغزها و طرز تعلیم و تربیت ما ایجاد شود کـه همه در خدمت اسلام و قرآن قرار گیریم، آقای ربانی در بخش دیگری از سخنان‌خود به مسئله صرفه‌جوئی‌اشاره کرد و گفت عده‌ای ضد انقلاب شیرهای آب منـزل خود را باز نگه میدارند تـا آب در سطح شهر کم شود و صدای من‌و شما دربیاید. این‌جاست که بایـد انقلاب فرهنگی صورت بگیرد اولا خود از اسراف در آب و برق خودداری کنیم و ثانیا اجازه ندهیم ـ دیگران نیز عملا یا سهوا آب و بـرق زیادی مصرف کنند. وی سپس افزود: بـرادر و خواهر، کارگر مسلمـان تولید کارخانه‌ها کم شده‌این برای امت اسلامی ما ننگ است، تولید کشاورزی ما بالا رفته و رو به بهبود است اما تولید صنعتی مـا پائین آمده و علت این امر این است که دشمن درمیان مزارع هنوز نتوانسته است سمپاشی کند ولی درمیان کارگران گویا سمپاشی علیه رژیم وجود دارد.

پس از اتمام این‌سخنرانی حجت‌الاسلام خامنه‌ای‌خطابه های نماز جمعه را با مسئله تقوا شروع کرد وگفت‌تقوا مخصوص دل نیست بلکه هم دل و هم مغز و اندیشه و هم عمل باید دارای تقوا باشد و برای این کار لازم نیست که بنشینیم و بـا حساب و کتاب ـ تقوا را مشخص کنیم بلکه این را دین برای ما تعین‌و مشخص کرده است.

امام جمعه تهران سپس گناهانی را که برای مـردم بصورت عادی و معمولـی درآمده است را فرد بزرگ اجتماعی قلمداد کرد و گفت اگر تا امروز غیبت ،دروغ و تهمت، یک اثر ضعیف داشت ولی اکنون غیبت یک فرد مومن، آثار اجتماعی بزرگی را بر جای میگذارد، زبانی که به غیبت عادت کرد دیگر برایش فرقی نمیکند،که از چه و در چه رابطه‌ای میگوید، از جمله دردهای دیگر جامعه ما مسئله‌شایعه است دشمن به میان جامعه ما توجه دارد و آن کسیرا مورد تهمت و شایعه قرار میدهد که او را برای‌خود مضر میداند و هیچگاه‌برای کسی که مسئولیتی درجامعه ندارد، شایعه‌سازی‌نمیکند. امروز مسئله شایعه‌یکمسئله اساسی و مهمی شده است سعی کنید شایعه سازان را بیابید و برای مبارزه باآنها راهش این است که خـود غیبت نکنید ـ تهمت نزنید و هرچه را که شایعه سازان میگویند، بر زبان جـاری نکنید.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه اول نماز جمعه‌دیروز فاش ساخت که حدود هزار تن از عوامل ساواک‌منحله در پوشش راننده تـاکسی شایعه پراکنی میکنند. من در اینجا از برادران راننده تاکسی در تهران و بعضـی شهرهای بزرگ معذرت می خواهم که این مطلب را می گویم، باید این برادران سعی کنند کسانی کـه در پوشش راننده تاکسی شایعه پراکنی میکنند پیدا کنند و نقشه‌هایشان را خنثی‌سازند، اگر این شایعه‌پراکنان‌متوجه شوند حرفی را که میزنند برایشان آسان تمامنمیشود و دنبالش را خواهند گرفت دیگر هرکسی به راحتی نمی‌توانند شایعه سازی کند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه دوم خود گفت: از جمله مسائلی که در هـر انقلابی مطرح است این‌است، که چه کسانی بازوان‌اساسی انقلاب هستند، صاحبان مکاتب و ایده‌های مادی و غیر مادی دراین‌باره حرفها زده‌اند، اسلام هم نظرخود را در دو جمله داده است اول این که برای «انقلاب اسلامی همه انسانها از هر طبقه‌ای میتوان بازو و عامل و لشکر باشد، اسلام دست رد به سینه هیچ فرد و طبقه‌ای که ندای اسلامرا بشنود نمیزند و معتقدات هر فردی که به فطرت‌انسانی خود بازگردد عامل انقلاب خواهد بود و جمله دوم اینکه درمیان قشرهای مردم که همه مستعد شنیدن و فهمیدن هستند مستضعفین‌و محرومان و طبقات متوسط جامعه پیشقدمترند، امام‌جمعه اضافه کرد وقتی ما این اصول را پذیرفتیم باید در اداره امور جامعه تفاوتـی حاصل شود و البته هـر کاری که باید انجام بگیرد، ملاک و اصل همین طبقـه محروم و متوسط که شامل کارگر و دهقان، کارمند‌این ساده ادارات هستند.

حجت الاسلام خامنه‌ای آنگاه خطاب‌به کارکنان‌دولت گفت، درمیان شما قشر عظیمی هستندکه دارای‌ایمان کامل به انقلاب اسلامـی هستند و یا حداقل ضدیتی با انقلاب ندارند اما در این میان مسئولان و افـرادی وجود دارند که کارشان خوردن نان مردم و لگدزدن به آنان است و ادارات را تبدیل به مراکز شایعه‌سازی کرده‌اند. امام جمعه تهران افزود: کسانی هستند در بعضی ادارات که روز هـای اول پیروزی انقلاب جرئت نمیکردند به اداره بیایند اما امروز آمده‌اند و یک چیزی هم از انقلاب طلبکارند و مرتب کمکاری‌و سمپاشی‌علیه انقلاب میکنند اگر لازمباشد آن کسانی را که در ادارات برخلاف انقلاب کارمیکنند و من میشناسم در همین تریبون افشاء خواهم کرد اگر دست از این کارشان برندارند، به مردم معرفی خواهند شد.

حجت الاسلام خـامنه‌ای اضافه کرد چه کسانی زیـر آفتاب سوزان در این نماز های جمعه شرکت میکنند، چه کسانی راهپیمائی میکنند بار گرانی بر دوش‌چه‌کسانی است، اینها همه به‌عهده‌همین توده مردم است هر وقت میگوئیم مردم کم مصرفکنید اینها هستند که کم مصرف میکنند، بیکاری و سختی روزگار مال اینها است و آثار محاصره اقتصادی برای اینهاست و آنوقت همین‌ها پولشان را بدهند به بعضی از کسانی که در ادارات نشسته‌اند و به ریش مردم میخندند، این برای ماقابل تحمل نیست، یک جـوان پاسدار جانش در کف دست است و میرود تا شهیدشود و در همین حال فلان اداره برای یک مسئله مادی‌تحصن راه می‌اندازد و اعتـراض میکند.

امام جمعه تهران سپس به مسئله مبارزه با اعتیاد اشاره کرد و گفت مبادا مردم حرفهائی زده شودمبنی بر اینکه این کار مبارزهبا مواد مخدر مورد تـایید شورای انقلاب نیست،کاری که این برادرمان در سطح کشور برای ریشه‌کن کردن اعتیاد انجام میدهد مورد تائید کامل ماست.

سرپرست جدید دانشگاه تهران درگفتگو با اطلاعات اعلام کرد:

۳۸۹ نفر ازدانشگاه تهران پاکسازی شدند

★ دکتر عارفی ازسوی وزیر آموزش عالـی سرپرست دانشگاه تهران شد.

دکتر عارفی سرپرست جدید دانشگاه تهران صبح امروز در یک گفتگوی اختصاصی‌با اطلاعات اعلام کرد:

پاکسازی دانشگاه تهران‌را به عنوان اولین اقدام خود درنظرگرفته ودر مرحله اول امروز احکام ۲۸۹ نفر برای اجرا به کارگزینی دانشگـاه تهران فرستاده شده این‌احکام شامل اخراج، قطع حقوق‌یا تنزل رتبه می باشد.

دکتر عارفی گفت: گروهی از این عده قبلا اخراج‌شده‌اند و احکام‌گروهی‌دیگر که هنوز همدردانشگاه هستند ازامروز رسمیت می‌یابد.

دکتر عارفی این لیست را مرحله‌اول پاکسازی خواند و اظهارداشت‌در روزهای آینده نیز پاکسازی دانشگاه تهران ادامه خواهد یافت.

سرپرست جدید دانشگـاه تهران‌که از سوی وزیر علوم به این‌سمت منصوب شده است‌در مورد فعالیتهای آینده خود اظهار داشت: پس از بررسی های لازم و جمع‌بندی برنامه ریزی‌هایی که درجهت انقلاب اسلامی انجـام شده اقداماتی برای بهبود دانشگاه انجام خواهد گرفت.

دکتر عارفی که همچنان سرپرستی دانشکده پزشکـی دانشگاه تهران رانیز به عهده دارد اظهارداشت کوشش ما براین است که وقفه‌ای در تربیت‌پزشک‌بوجود نیاید و به همین منظور از مدتی قبل مشغول طرح‌ریزی بوده‌ایم.

دکتر عارفی اظهارداشت: تصمیم گرفته‌ایم به کسانی که تعداد کمی واحد برای‌ورود به دوره انترنی خود دارند در مدت تابستان داده شود تاآموزش این گروه دچار وقفه نشود.

گفتگو با سرپرست پیشین

خبرنگار ما صبح امروز در محل سمینار دامپزشکی دانشگاه تهران موفق شدبا دکتر محمد ملکی‌سرپرست پیشین دانشگاه تهران نیز گفتگویی انجام دهد. دکتر ملکی در ابتدای این گفتگو شدیدا به روش مطبوعات اعتراض کرد. متن ایـن گفتگوبه شرح‌زیر است:

س ـ علت برکناری شمـا چیست؟

ج ـ هیچکس مرا برکنار نکرده است ما دستجمعی استعفا کرده‌ایم و برکناری مطرح نیست، باوجوداینکه بعداز استعفای آخرم آقای بنی‌صدر بارها خواهش کردو ما را خواست خودمان نیز باز گرفتیم و شرایط را برای کار مناسب‌نمی دیدیم.

س ـ چه شرایطی باعث شد که شما استعفا دادید؟

ج ـ ما معتقد بودیم‌اصولا مقامات غیر مسئول حـق دخالت در امور دانشگاه تهران را ندارند وبرنامه‌ای که اینها برای تعطیل دانشگاه کشیدند بودند بدون مشورت با مسئول دانشگاه بود و این بضرر شده است که این پـاک برنامه بوده و در آینده روشن خواهد شد که این کار چقدر به جمهوری اسلامی و اسلام لطمه زده است ما این مسئله رادرک کرده بودیم و در رساله‌ها نیز به آن اشاره نمودیم.

س ـ دلیل شما چه بوده؟

ج ـ دلیل ما این بود کـه همانطور که امام فرموده‌اند هرکس بایددر کار خوددخالت نماید و در مورد دانشگاه کسانی باید دخالت کنند کـه دانشگاهی باشند و کسی کـه آشنا با مسئله باشد و دلیل دوم این استکه در این شرایط ما بستن دانشگاه را به صلاح مملکت نمی دانیم باین دلیل که مطمئنیم هیچ برنامه‌ای بـرای دانشگاه و دانشجو ندارند‌واگر برنامه داشتند هیچ حرفی‌نبود چون برنامه ندارند. ما مخالفیم و مسئله اساسی‌تر این استکه ما معتقدیم در دانشگاه ها باید آزادی، هم‌چنین باشد و برخورد اندیشه و افکار باشد،دانشگاه را نباید تبدیل به یک محلی‌کرد که مخالف نتواند در آن نفس بکشد، یکی از دلائل عمده‌این بود که آقایان میخواستندآنجا را تبدیل‌بمجتمع کنندکه‌گروهی خاص بتوانند اظهار نظرکنند ما مخالف بودیم با این اصل و از روز اول هم درگیری هائی که داشتیم که منجر به اینشد که چند باراستعفا بدهیم‌ما‌معتقد بودیم که با مخالفین چنین‌نباید رفتار شود همـه حرفشان را بزنند همانطور که اسلام می‌گوید، امام همیشه‌فرموده‌اند مقامات مملکت میگویند رئیس جمهور میگوید با چماق نمی‌توان اندیشه افراد را تغییرداد باید با بحث و استدلال‌ومنطق با مخالفت مواجه شد. آقایان حاضر نبودند که زیر بار این مسئله بروند و ما هم چندین بار به این مسئله اعتراض‌کرده بودیم و در اعتراض به ایـن مسئله و تصمیماتی که بدون نظر ما گرفته شده بود و در این مسیر بود استعفا دادیم.

س ـ مشکلاتی که در آینده سرپرست پرسید و آنچه را است کدامند.

ج ـ این را باید از خـود سرپرست جدید با آن روبرو که من میتوانم بگویم این‌است دردی که الان دانشگاه دارد دردبی‌برنامگی‌و جهت‌نااسلامی شدن است. چون این کار ها الان هم شده و برنامه هاریخته شده، درد در مورد بی‌برنامگی مملکت است، مملکت نمی‌دانم به کدام طرف خواهد رفت.

درد‌بی‌برنامگی مملکت است اگر روشن شد که مملکتبچه سوئی‌خواهدرفت، او برنامه‌اش چیست؟ هدفش چیست؟ آن وقت‌استکه‌دانشگاه‌مطابق آن‌هدف برنامه ریزی صحیح خواهد کرد. برنامه مشخصی که به آن اشاره میکنم این است که این گرفتاری‌ها در همه جا هست از جمله در دانشگاه و رئیس اینده این مسائل‌روبرو

نوری، ظالم‌ستمکاری که بدام افتاد

برای کارکنان روزنامه اطلاعات باورنکردنی‌بودکه روزی نورالدین نوری که سمبل استثمار و تبعیض است دستگیر شود. بهمین جهت وقتی ۱۵ ماه بعد از انقلاب خبربازداشت او چاپ شدهمه را مبهوت ساخت بطوریکه یکنفر از کارمندان فریاد زد «انقلاب را باور کنیدنوری را از پست ریاست برکنار و یکی از کارمندان مستضعف به‌جایش‌نشست» بهرحال‌نوری من‌حیث‌المجموع سرپرستی‌ظالم‌وستم‌کار بود.

بسیار هتاك وبددهن وزشت‌ترین کلمات را بـه کارمندان زیردست خود ادا می کرد،حقوق حقه‌کارکنان شریف و درستکار را زیرپا نهاد و در عوض افرادی را که نیات پلید شخصی او را برآورده میساختند مزایای گوناگون از بودجه اطلاعات میپرداخت و نیز غیرمستقیم باعث مرگ بهترین جوانان‌مملکت شد که من فعلا از خسرو یادمیکنم یعنی گلسرخی شهید که چون گلی سرخ بود و درزمانیکه جزو هیچ دسته و گروهی نبود و روزها و شب های بسیاری بامن درزیر یك سقف بسر برد او زیردست آقای نوری در تحریریه سازمـان شهرستانها با حقوقی کمتر از سیصد تومان در ماه‌کار میکرد و قلم میزدو ظلم و تبعیض و اجحاف نوری باعث شد که از اطلاعات اخراج شود و عاقبت هم راه شهادت راطی‌کرد، خسرو گلسرخی از خاطراتش از نوری فراوان یاد کرده که سال گذشته قسمتی از آن در مجله گزارش چاپ شد، محمد نوعی را بخاطر می‌آورم که آن همه احساس داشت و جوانی پاکدل و بی‌غرض بود،نوری اورا هم از اطلاعات اخراج کرد و او تاآخرین روزهای عمر خود در مجله تماشا کار می‌کرد و عاقبت بوسیلهٔ برق اتصالی یخچال دفتر زندگیش بسته شد خلاصه اینکه هرکس سوادی داشت و پاك بود وتسلیم‌ناپذیر، نوری از او نفرت داشت.

آری، هرکس آلوده دستگاه مسعودی ملعون و نوکر حلقه‌بگوش او نوری نمیشد دشمن نوری بود و نوری دشمن همه‌پاکها و ضد شرافت‌انسانی و ایـن از او هیچ عجیب‌نبود

کارمند اطلاعات که در هرداد گاهی آماده شهادت‌میباشد

بسمه تعالی وبه‌نستعین

موسسه اسلامی نارمك

خیرکم من‌تعلم‌القرآن وعلمه
(پیامبر اکرم ـ ص)

بهترین شما کسانی هستند که قرآن را فراگیرند و بدیگران بیاموزند.

مژده

برادر:

محمدرضا توسلی

(معلم قرآن)

یک دوره فشرده (شش جلسه) روش تدریس قرآن (پتنیک تدریس نرتلوبزیون) برای معلمان متعهد و مسئول و دیگر برادران و خواهران معیلمه و بالاتر که علاقمند به تدریس قرآن هستند، تعلیم میدهند این فرصت انقلابی و موقعیت استثنائی را غنیمت شمارید.

تاریخ و شرائط ثبت‌نام:

تاریخ: از سی‌ویکم خرداد الی‌پنج تیرماه (یکهفته)

شرائط: یک برگ فتوکپی شناسنامه ـ دو قطعه‌عکس معرفی‌نامه از مسجد محل.

دفتر فرهنگی و روابط عمومی مسجد جامع نارمك ۷۳۷۱۷۱

مجالس ترحیم

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اناالله واناالیه راجعون

بانهایت تاسف و تاثر درگذشت مادر گرامی جناب آقای دکتر مهدی ممکن معاونت وزارت ارشاد ملی را باطلاع همکاران و دوستان میرساند. مجلس ترحیم آن مرحومه روز یکشنبه اول تیرماه سال جاری از ساعت۵تا۷ بعدازظهردر مسجد ارک واقع‌در میدان پانزدهم خرداد برگزار خواهد شد.

ناصر میناچی

آ ـ ۱۲۸۲۳

کل نفس ذائقه‌الموت

بدینوسیله درگذشت مرحومه مغفوره بانو امت‌الله‌ممکن را باطلاع میرساند.

مجلس ترحیم مردانه روز یکشنبه اول تیرماه در مسجدارک از ساعت پنج تا هفت بعدازظهر منعقد خواهد بود.

مجلس ترحیم زنانه بعد از ظهر روز دوشنبه دوم تیرماه در منزل بانو زهرا ممکن فرزند آن مرحومه بنشانی زیر منعقد است.

خیابان استاد مطهری شرقی ـ خیابان فتح (آق‌اولی) کوچه چنار ـ پلاک ۹

خانواده‌های: ممکن ـ منزوی ـ سامی ـ وجدانی ـ ثابت ـ ظهوری ـ خرازی ـ السنی ـ یزدی ـ ادیب.

آ ـ ۱۲۸۲۴

اطلاعات: مصیبت وارده را به خانواده‌های عزادار تسلیت می‌دهد

اناالله واناالیه راجعون

بانهایت تاسف وتاثر درگذشت همسر و پدر ارجمندمان شادروان علی اصغرخانبلوچی بزرگ‌خاندان خانبلوچی رابه‌اطلاع بستگان و آشنایان میرساند.

بلقیس چگینی ـ منصور، پرویز، مسعود، افخم، اعظم، مهین و پروین.

باکمال تاسف درگذشت شادروان علی اصغر خانبلوچی بزرگ خاندان خانبلوچی را باطلاع بستگان و دوستان میرساند. مجلس ترحیم مردانه و زنانه آن‌مرحوم روز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ از ساعت ۴تا۶ بعدازظهر در مسجدالجواد برگزار میگردد.

خانواده‌های: خانبلوچی ـ چگینی ـ قائم‌مقامی ـ دیانی ـ توسلی ـ ابطحی وخانواده‌های وابسته.

آ ـ ۵۸۶۹

اطلاعات ـ مصیبت وارده را به خانواده‌های عزادار تسلیت می‌دهد.

بانهایت تاثر و تاسف فوت مرحومه رخشنده رضا زاده بزرگ خاندان متعلقه مرحوم حاج عبدالرحیم رضا زاده اردبیلی راباطلاع فامیل، دوستان و همشهریان محترم میرساند مجلس ختم زنانه و مردانه آن مرحومه روز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ از ساعت ۵تا۷ بعد ازظهر در مسجد الزهرا واقع در شهرآراء منعقد می باشد.

خانواده های: رضا زاده، پورعبدالرحیم، نجات، حبیب‌الهی، خرسندی، زنوزی، امین‌الشرعی، اصغری، مردانی، فرهمند، حلیلی، نسنه، گرامی، ایزدپناه، سامانی، نیل‌نواز، سعیدی، کامروا، یادگر، قاسمی‌نژاد، علیاری.

آ ـ ۶۴۹۵

هوالباقی

باکمال تاسف وتاثر درگذشت شادروان عزت‌اله رادمند(ملایری) را باطلاع دوستان و آشنایان میرساند. مجلس ترحیم مردانه و زنانه آن مرحوم از ساعت ۵الی۷ بعدازظهر روز شنبه ۳۱ر۳ر۵۹ در مسجد حضرت علی علیه‌السلام واقع در خیابان آذربایجان سه‌راه قصردشت برگزار میگردد.

خانواده‌های: رادمند، مهاجر، دبیران، عدالت، جعفری، رادنیا، مهران، گوهرزی، گلوبندی، بیات، هورفر، ربیعی‌خاکی

آ ـ ۶۴۷۹

توضیح و تصحیح

در آگهی فوت مرحوم آقای حسن مشحون نام خانواده فقیه درغیر جای خود آمده است بدینوسیله از اشتباه‌فوق پوزش می‌خواهم.

مشحون

آ ـ ۱۲۸۶۹

بانهایت‌تاسف و تاثردرگذشت مرحومه منیجا پایان (فرزند مصطفی‌پایان) رابه اطلاع عموم دوستان‌و آشنایان میرساند. مجلس ترحیم‌آن‌مرحومه روز دوشنبه ۲ر۴ر۱۳۵۹ ازساعت ۴الی۶ بعد ازظهر در سالن شماره ۲ بهشت زهرا برگزار میشود.

خانواده های: خاورزمینی و پایان، حکیمی، سلطانی و خانواده های وابسته.

آ ـ ۵۸۸۸

هوالحی‌الذی لایموت

بنهایت تاسف وتاثر درگذشت خلد آشیان آیت‌الله حاج میرزا محمدعلی دامغانی عالمی فرزند مرحوم آیت‌الله حاج‌شیخ‌علی دامغانی را در همدان باطلاع حضرات علماء اعلام و همه‌همدانیها و دامغانیهای مقیم مرکز و دوستان و آشنایان و علاقمندان به‌آن مرحوم میرساند. مجلس ترحیم زنانه و مردانه از ساعت ۵تا۷ بعدازظهر روز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ در مسجد ولیعصر (ع) واقع در خیابان حشمت‌الدوله برگزار میگردد.

خاندان دامغانی عالمی و خانواده‌های وابسته

آ ـ ۶۴۷۱

اطلاعات ـ بعموم بازماندگان مصیبت وارده‌را تسلیت می دهد.

باندوه فراوان درگذشت نابهنگام همسر، فرزند وبرادر بسیار عزیزمان مرحوم سیف‌الله (بهمن) حاج‌سیدی‌سیفی را باطلاع بستگان ودوستان میرساند، مجلس ختم زنانه و مردانه آن‌مرحوم از ساعت ۵ الی۷ بعداز ظهر روز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ درمسجد بنی‌هاشم خیابان گرگان بالاتر ازچهارراه مفیدیه جنب کلینیک گرگان برگزار میگردد.

خانواده‌های: سیفی، بیگلری، طهماسبی، محمدزاده، جویا، غفار، جوراب‌باف، خسروانی، قرهگزلو، کبیرزاده، میری، شایگان، حیدری، قنچی، میرحیدری، بهین‌شاد.

آ ـ ۱۲۸۶۸

اطلاعات ـ به عموم بازماندگان آن مرحوم مصیبت وارده را تسلیت می‌دهد.

بانهایت تاسف و تاثر درگذشت ناگهانی خانم کوچک‌جبارزادگان را باطلاع دوستان و آشنایان میرساند. مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحومه در روز دوشنبه ۲ر۴ر۵۹ از ساعت ۴الی۶ بعدازظهر در مسجد اباعبدالله‌الحسین واقع در فلکه دوم تهران پارس برگزار میشود.

خانواده‌های: استاد شهریار ـ جبارزادگان ـ طبیب‌زاده ـ رخشکنانی ـ بهجت تبریزی ـ وثقیان ـ رشدی ـ اسکندر ـ منوچهری ـ مجیدی ـ هرندی ـ داودی‌نژاد ـ میرعشی ـ علوی ـ مصدق ـ نعمت‌اللهی ـ آشورزاده ـ کاشانی‌زاده ـ میرمضانی ـ حسن‌زاده ـ مساعی ـ ستاری ـ موسوی ـ مصطفوی ـ جهانبخش ـ خالصه دهقان.

آ ـ ۵۸۸۴

اناالله واناالیه راجعون

بانهایت تاسف درگذشت شادروان رضا تقی‌زاده پدر گرامی دکتر تقی‌زاده سرپرست دانشگاه ملی ایران را باطلاع دوستان و آشنایان میرساند. مجلس ترحیم زنانه و مردانه آن مرحوم روز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ از ساعت ۲تا۴ بعدازظهر در مسجدالجواد واقع در میدان رضائی‌ها (۲۵ شهریور سابق) برگزار خواهد شد.

خانواده‌های: تقی‌زاده‌کیاستی نژاد ـ فخر سلطانی ـ دکتر امیر علائی ـ دکتر منصوری ـ مهندس پرهیزکار مقرری ـ صالحیان ـ اعرابی ـ دکتر کیانی ـ محسن‌زاده.

آ ـ ۶۴۹۳

باندوه فراوان درگذشت حشمت‌الله کلهرنیا (رضائی) فرزند عبدالله خان زینم کلهر را به‌آگاهی می‌رساند. مجلس یادبود روزهای ۳۱ خرداد و اول ودوم تیرماه در روستای چهارزبرماهدشت درمنزل شخصی وروز سه‌شنبه سوم تیر ماساعت ۳تا۵ بعداز ظهر درمسجد معتضدی کرمانشاه‌برگزار میگردد. شرکت آشنایان موجب شادی‌روح‌آن زنده‌یاد‌است.

خانواده‌های: ایل‌کلهر، اقوام و وابستگان

آ ـ ۵۸۸۹

بانهایت تاسف درگذشت حسین عسکری را به‌اطلاع دوستان و آشنایان میرساند. مجلس ختم آنمرحوم روز شنبه ۳۱ر۳ر۵۹ از ساعت ۵الی۷ بعدازظهر در مسجد لاریجانی واقع در پامنار وروز یکشنبه ۱ر۴ر۵۹ در مسجد شاهزاده علی‌اصغر واقع در خیابان کوکاکولای (سابق) دمتری میرزابابائی برگزار میشود.

خانواده‌های: عسکری ـ طالقانی ـ سقاء ـ یاسر عربی ـ شیردل ـ اصغری ـ ملکسیاه چشم رهبری.

بانهایت‌تاسف و تاثر درگذشت شادروان خدارحم خورسندیان پدر آقای دکتر منوچهر خورسندیان را باطلاع دوستان و همکاران میرساند، مجلس ترحیم آن شادروان روز دوشنبه دوم تیرماه ۱۳۵۹ از ساعت ۲ونیم الی ۴ونیم بعداز ظهر در تالار ایرج واقع درخیابان میرزا کوچکخان (استالین‌سابق) کوچه زرتشتیان پلاک۸ برقرار خواهد بود.

شرکت مهندسین مشاور وندداد.

آ ـ ۶۵۰۰

پرسه

باندوه فراوان درگذشت همسر و پدر عزیز وبزرگوارمان شادروان خدارحم خورسندیان (پارسی) بزرگ خانـدان خورسندیان را باطلاع خویشاوندان ودوستان میرساند. مجلس پرسه آن شادروان در روز سپندارمز تیرماه برابر دوشنبه دوم تیرماه ۱۳۵۹ از ساعت ۲ونیم الی ۴ونیم بعد از ظهر در تالار ایرج واقع درخیابان میرزا کوچکخان کوچه‌زرتشتیان پلاک۸ برقرار خواهد بود.

مهربانو خورسندیان (سهراب): پروین، هما، منوچهر و مهرداد خورسندیان وخانواده‌های: خورسندیان، سهراب، نیلیاری، آذری، فرامیان، بهرامشاهی، رستمی، اهورائی، فروهری.

آ ـ [illegible]

یادبود

بطلوع روز اول تیرماه ۵۹ هفت سال از درگذشت‌عباس صادقیان مرد نیکوکار، میگذرد. روحش شاد و جاویدان باد.

(خانواده صادقیان)

آ ـ ۶۳۸۳

بانهایت تاثر و تالم درگذشت برادر عزیزمان محسن صفری (دندانساز) را باطلاع فامیل و دوستان میرسانیم. مراسم شب‌هفت آن مرحوم روز سه‌شنبه ۳ر۴ر۵۹ ساعت ۴تا۶ درمسجد دولت‌آباد شهرری و سپس در بهشت زهرا برگزار میگردد.

برادران صفری

تسلیت

دوست عزیز جناب سرهنگ جاویدی

مرگ مادر غم‌جانگدازاست، در سوگ شما شریکیم.

تاجپور، افشار و بانو.

جناب آقای دربندی

شهادت جانگداز فرزند دلبندتان را صمیمانه تبریک و تسلیت میگوییم.

فیروزه فکرت

جناب آقای دکتر عبدالصمد تقی‌زاده

رحلت پدر بزرگوارتان باعث تاثر فراوان ما شده و ضمن عرض تسلیت بقای عمر شما و سایر خاندان‌جلیل‌تان را از خداوند خواهانیم.

دکتر سید محمد حسین بتولی وبانو

جناب آقای دکتر منوچهر خورسندیان

با نهایت تاسف و تاثر فوت ناگوار پدرگرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمائیم.

یگانیان، اللهوردی، ابراهیمی‌مقدم، اصغری، امیرتیموری، خدائی‌فر، دولو، روحانی، صلاحمند، نوش، مارکاریان، شاهین، گلستانیان‌پور، اندوری، آرزومانیان، برمیان، مکوتفرد، شیوری، بهلول، ساریان، غریبیان، داودی آقاسی، دربان، چقالیان.

آقای کاوس مصفی

کارکنان شرکت سهامی پتروشیمی ایران ـ ژاپن بویژه امور اداری جنوب مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت میگویند.

آقای همراه میشل قشقائی قائم مقام مدیر عامل

کارکنان شرکت سهامی پتروشیمی ایران ـ ژاپن مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض مینمایند.

دوست دانشمند جناب آقای دکتر تقی زاده

سرپرست محترم دانشگاه ملی ایران

درگذشت مرحوم والده ماجدتان موجب نهایت تاثرگردید. خواهشمند است اینجانب رانیز در آن اندوهگران شریک دانید و مراتب تسلیت صمیمانه‌ام را بپذیرید.

استهباناتی نظام‌الدین (احمد) فقیه

آقای جمشید عباسی املشی

باکمال تاسف درگذشت والده مکرمتان را به شما و خانواده محترم تسلیت میگوئیم.

شرکت صنعتی بهشهر

سپاسگزاری

باتشکر از همه اقوام و دوستان که در ۱۰ روز گذشته در مراسم تدفین (در مشهد مقدس) و سوگواری همسر عزیزم حاج آقا رضا اخوت اصفهانی شرکت فرموده‌اند صمیمانه متشکرم و با معذرت از اینکه به دلیل شدت تالمات نتوانسته‌ام حضورا سپاسگزاری کنم، انشاءالله برای تشکر شرفیاب خواهم شد.

عذرا فتوحی (اخوت اصفهانی)

از همه خویشاوندان، دوستان و آشنایانی که در مراسم تدفین (در مشهد مقدس) و مراسم یادبود و سوگواری پدر عزیزمان حاج آقا رضا اخوت اصفهانی شرکت فرمودند و یا با تلگرام و نامه ما را تسلیت دادند، صمیمانه سپاسگزاریم و از اینکه بخاطر شدت تالمات نتوانستیم حضورا تشکرات خود راتقدیم داریم، پوزش میخواهیم. بیاری خداوند برای عرض سپاس شرفیاب خواهیم شد.

محمود، مهدی، مرتضی، مصطفی و مریم اخوت اصفهانی